

تاریخ برگزاری بزرگداشت

۲۰ بهمن ماه ۱۳۸۰

مرادی، محمدرئوف، ۱۳۴۸ -

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر ابراهیم یونسی / به
کوشش محمدرئوف مرادی. -- تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،
۱۳۸۵.

۱۲۰ ص.: مصور. -- (مجموعه زندگی نامه ها؛ شماره ۲۶. سلسله
انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ شماره ۳۹۵)

ISBN: 964-528-063-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان روی جلد: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی نویسنده
توانا و مترجم نامدار دکتر ابراهیم یونسی

پشت جلد به انگلیسی:

Biography & academic life of

Dr. Ibrahim Younessi.

۱. سرگذشتنامه -- مجموعه ها. ۲. یونسی، ابراهیم، ۱۳۰۵ --

سرگذشتنامه. ۳. نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه. الف.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ب. عنوان. ج. عنوان: زندگی نامه و

خدمات علمی و فرهنگی نویسنده توانا و مترجم نامدار دکتر ابراهیم

یونسی. د. فروست: مجموعه زندگی نامه ها؛ ج ۲۶.

۹۲۰/۰۲

CT۲۸.۳ / ۲۸م۳

ج ۲۶.

کتابخانه ملی ایران

۸۵-۱۰۷۷۱

زندگی نامه
و
خدمات علمی و فرهنگی
دکتر ابراهیم یونسی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۵

سلسله انتشارات و مجموعه زندگي نامه ها

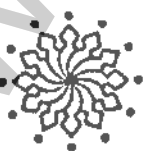
شماره ۳۹۵/۲۶

زندگي نامه دکتر ابراهيم يونسي

- تهيه و تنظيم: محمدرثوف مرادي • ليتوگرافي: باختر • چاپ: دالاهو • صحافي: چاوش
- نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵ • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه • همه حقوق محفوظ است

ISBN: 964-528-063-x

• شابک: x-۰۶۳-۵۲۸-۹۶۴



انجمن آثار و مفاخر فرهنگي

دفتر مركزي: تهران - خيابان ولي عصر - پل امير بهادر - خيابان سرگرد بشيري (بو علي)
شماره ۱۰۰ - تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنويس: ۵۵۳۷۴۵۳۰
دفتر فروش: خيابان انقلاب بين خيابان ابو ريحان و خيابان دانشگاه - ساختمان
فروردين - شماره ۱۳۰۴، طبقه چهارم - شماره ۱۴، تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

قيمت: ۱۰۰۰ تومان

سرآغاز

علم را فرمودمان جُستن رسول جُست بایذت ار نباشد جز به چین
قیمت هر کس به قدر علم اوست همچنین گفته‌ست امیرالمؤمنین
دانشمندان اسلامی اتفاق دارند بر اینکه سر پیشرفت مسلمانان
در همه علوم و فنون بر پایه دو جمله اساسی و کلیدی زیر بود:
نخستین جمله از جانب حضرت رسول اکرم (ص) به مسلمانان
اعلام شد که فرمود: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» و آنان را مجبور و
ملزم ساخت که علم و دانش را از هر کس و از هر جا فرا بگیرند
یعنی مرز جغرافیائی و مذهبی و نژادی از علم برداشته شد و
مسلمانان آثار علمی اقوام مختلف را از زبانهای یونانی و سریانی
و پهلوی و سانسکریت به عربی ترجمه کردند و در مراکز علمی

خود از زرتشتیان و مسیحیان و بودائیان و صابیان بهره‌برداری علمی نمودند.

دومین جمله از حضرت علی بن ابی طالب (ع) صادر شد که فرمود: «قِمَّةُ كُلِّ امْرِئٍ عِلْمُهُ» که آن حضرت معیار ارزش آدمی را علم و دانش اعلام کرد و بر پایه این قاعده عالم بر جاهل و أعلم بر عالم برتری یافت. در روایت آمده است وقتی یاران پیغمبر درباره بیماری از حضرت رسول (ص) کسب تکلیف کردند و حضرت فرمودند پزشک بر بالین بیمار بیاورند و آنان دو پزشک را آوردند. حضرت پرسیدند کدام مسلمان و کدام غیر مسلمان و یا کدام عرب و کدام عجم است بلکه پرسیدند: «مَنْ أَطَبُّ مِنْهُمَا» یعنی کدام حاذق‌تر و ماهرتر در فن پزشکی هستند تا بیمار را به فرمان او بsparند. تا وقتی این روش بر جا بود مسلمانان به اوج کمال علمی در همه زمینه‌ها رسیدند تا به جایی که دانششان از مرزهای جهان اسلام فراتر رفت و ترجمه‌های لاتینی آثارشان سالها دانشگاه‌ها و مراکز علمی، اروپا را به نور علم و دانش منور ساخت.

از آن زمان که حاکمان خودکامه شکوفائی علم را بر خلاف امیال و آرزوهای جاه‌طلبانه و منافع نامشروع خود یافتند به سرکوبی علم و عالم و نابود ساختن کتاب و کتابخانه و از بین بردن

مکتب و مدرسه پرداختند. پادشاهی در ری دویست دانشمند را به دار می‌آویزد و کتابهای علمی آنان را در زیر دار آنان می‌سوزاند و شاعری بلکه بهتر باید گفت شعرفروشی این عمل او را بدین‌گونه ستایش می‌کند:

دار به پا کردی باری دویست

گفتی کاین در خور خوی شماست

هر که از یشان به هوا کار کرد

بر سر چوبی خشک اندر هواست

سلطانی دیگر در شهری دیگر یک فوج سرباز را مامور می‌کند

تا رصدخانه‌ای را که مرکز ریاضی‌دانان و ستاره‌شناسان و

فیزیک‌دانان بود با خاک یکسان کنند و شاعری دیگر هم این عمل

را می‌ستاید و آن را یک وظیفه دینی برای او به شمار می‌آورد:

رصد را به یک لحظه بشکافتند

فراغت ز کار رصد یافتند

دعاگو شدندش همه اهل دین

که فرمود کاری به شرع مبین

از همین جهت است که از مدرسه نظامیه نیشابور و حکمت

خانه بلخ و ربع رشیدی تبریز و رصدخانه مراغه حتی یک خشت

هم برای ما باقی نمانده است.

سنت‌های علمی ما آن چنان به باد فراموشی سپرده شده که هرگاه دانشمندی از این جهان چشم برمی‌بندد ما با سربلندی از آن دانشمند با تعبیر «بدون جانشین» یاد می‌کنیم در حالی که اظهار این تعبیر اقرار به افول و انحطاط علم و اعتراف به خفت و سرشکستگی علمی و فراموش کردن سنت گذشته خود است. زیرا دانشمندان گذشته ما صریحاً می‌گفتند دانش همواره باید روی به فزونی و تزايد داشته باشد. محمدبن زکریای رازی یک هزار و صدسال پیش گفت: «إِنَّ الصَّنَاعَاتِ لَا تَزَالُ تَزَادُ وَتَقْرُبُ مِنَ الْكَمَالِ عَلَى الْآيَامِ وَتَجْعَلُ مَا اسْتَخْرَجَهُ الرَّجُلُ الْقَدِيمُ فِي الزَّمَانِ الطَّوِيلِ الَّذِي جَاءَ مِنْ بَعْدِهِ فِي الزَّمَانِ الْقَصِيرِ وَهَذَا يَدْعُو إِلَى أَنْ يَكُونَ الْمُتَأَخَّرُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّنَاعَاتِ أَفْضَلَ فِيهَا مِنَ الْقَدَمَاءِ». یعنی علوم باید دائماً در پیشرفت و کمال باشند و اگر استادی در زمانی دراز به نتیجه‌ای علمی رسیده، شاگرد او باید در زمانی کوتاه آن را دریابد و بازمانده زمان را صرف تکمیل آن علم کند، و همین سبب می‌شود که همیشه شاگردان عالم‌تر از استادان خود باشند. بر پایه همین سنت بود که قطب‌الدین شیرازی در یکی از آثار خود می‌گوید: زیان‌آورترین عبارت برای علم و دانش جمله: «ما

تَرَكَ الْأَوَّلَ لِلْآخِرِ شَيْئاً» است یعنی گذشتگان چیزی برای آیندگان
باقی نگذاشته‌اند که شاعر هم همین را تأیید کرده است:
سخن گفته شد گفتنی هم نماند

من از گفته خواهم یکی با تو راند
سخن هر چه گویم همه گفته‌اند

بِرِ بَاغِ دَانِشِ هِمِه رُفْتِه‌اند
یکی از سنت‌های علمی فراموش شده ارتباط میان استاد و
دانشجو است، غافل از اینکه در کشور ما علم و اخلاق و دین
برپایه رابطه میان معلّم و متعلّم و مُراد و مرید و امام و مأموم بوده
است که آن به کلی در مراکز علمی ما منسوخ شده. استادی
بازنشسته می‌شود و پس از آن دو یا سه دهه عمر می‌کند و هر روز
از محلی که سی سال درس داده، عبور می‌کند یکبار از او خواسته
نمی‌شود که بیاید و راز توفیق و پیشرفت خود را برای دانشجویان
بازگو کند تا آنان سیرت علمی و عملی او را اسوه خود قرار دهند و
یا کوششی به عمل نمی‌آید که بزرگان دین و دانش و اخلاق به وجه
مطلوب به نسل جوان و دانشجو معرفی گردند. وقتی ما اسوه‌ها و
الگوها را از چشم جوانان خود دور داریم آنان الگو و اسوه‌های
نامناسب را از بیرون مرزها برای خود می‌یابند و کار به آنجا

می‌رسد که ما فریاد به عرش بر می‌داریم که جوانان ما مورد «هجمه غرب» قرار گرفته‌اند.

این ضعیف که از سی سال پیش، این کاستی را در محیط‌های علمی دریافته بود در صدد برآمد تا به هر وسیله‌ای که ممکن است بزرگان دین و دانش را به نسل جوان و دانشجو معرفی نماید. در سال ۱۳۵۱ که انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی را با کمک برخی از همکاران تأسیس نمود، تشکیل مراسم و بزرگداشت برای ارباب علم و ادب را یکی از اهداف آن انجمن قرار داد. او موفق شد که در سال ۱۳۵۵ مجلس بزرگداشتی برای مرحوم استاد جلال‌الدین همائی در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار کند. حاضران آن مجلس که هم اکنون از گردانندگان کشور هستند، می‌گویند ما در آن مراسم تحت تأثیر استاد قرار گرفتیم به ویژه به چشم دیدیم که بسیاری از رجال بزرگ مملکت به پاس قدردانی از ایام شاگردی و تلمذ خود بوسه بر دست و پای استاد پیر خود می‌زدند. در سال ۱۳۵۶ مجلسی برای مرحوم سید محمد تقی مدرّس رضوی در باشگاه دانشگاه تهران برپا داشتیم که دانشجویان آن زمان تحت تأثیر تقوی و پارسائی آن سید جلیل‌القدر قرار گرفتند. در سال ۱۳۶۱ در تالار علّامه امینی

دانشگاه تهران بزرگداشتی برای مرحوم استاد احمد آرام برپا کردیم، استادی که آخرین جمله‌ای را که با دست خود نوشت در دفاع از دین و اخلاق و مروت و آزادگی بود. کتابهای همایی نامه و جشن نامه مدرّس رضوی و آرام نامه که مشتمل بر مقالاتی است که شاگردان و دوستان آن بزرگواران به آنان تقدیم داشتند، هنوز دست به دست می‌گردد و خوانندگان آنها تشکر و سپاس خود را بر من که بانی این امر خیر بودم ارزانی می‌دارند به ویژه آنکه آن بزرگواران را در زمانی که به قول شاعر: «إِذَا مَا عُذِّ مِنْ سَقَطِ الْمَتَاعِ» به شمار می‌آمدند، مورد تکریم و تعظیم قرار دادم. دعای خیر همین بزرگان موجب گردید که خداوند به من توفیق و فرصت دهد تا بتوانم آن آرزوی دیرینه خود را در سطح گسترده‌تری ادامه دهم. ادامه این امر از نخستین روزی که عهده‌دار اداره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شدم عملی گردید و از مهر ماه ۱۳۷۸ تا کنون هر ماهه مجلس بزرگداشتی برای یکی از دانشمندان و بزرگانی که به علم و فرهنگ کشور خدمت کرده‌اند، برگزار کرده و با کمک همکاران خود برای هر یک، بزرگداشت نامه‌ای به آن عزیزان تقدیم داشته‌ایم.

عمل خیر ما مورد استقبال دانش دوستان کشور قرار گرفت، چنانکه هم‌اکنون آن بزرگداشت نامه‌ها نایاب گردیده در حالی که

مشتاقان آنها، روز به روز افزونی می یابند و بسیار مسروریم که این مجموعه که شمار آن تا کنون به هفتاد و شش رسیده، دوباره منتشر می شود و در دسترس اهل علم قرار می گیرد.

با آنکه بارها کتباً و شفاهاً از اولیای آموزش و پرورش کشور خواسته ایم تا این مجموعه را در کتابخانه های مدارس در دسترس دانش آموزان قرار دهند هیچ گونه اقدامی در این زمینه به عمل نیامده است متأسفانه:

کس نمی خرد رحیق و سلسبیل

روی زی زقوم نهادند و حمیم

در این جا مناسب دانسته شد صورتی شامل نام و زمینه علمی کسانی که در انجمن مورد بزرگداشت قرار گرفته اند ارائه شود و حوزه کار و فعالیت علمی آنان بر خوانندگان گرامی این مجموعه عرضه گردد. عددی که بعد از نام بزرگان آمده، شماره بزرگداشت نامه ها است.

آیات عظام و حجج اسلام و استادان حوزه

حاج شیخ هادی نجم آبادی، ۴، فقیه و اصولی

شهید مرتضی مطهری، ۹، مدرّس و واعظ و استاد دانشگاه

میرزا مهدی مدرّس آشتیانی، ۱۳، استاد و مدرّس فلسفه در حوزه و دانشگاه

حسینعلی راشد، ۱۵، مدرّس و واعظ و استاد دانشگاه

محمدعلی مدرّس تبریزی، ۲۲، فقیه و رجالی و محدّث

محمدتقی آملی، ۲۷، مدرّس فقه و اصول و فلسفه

سید محمد کاظم عصّار، ۴۱، مدرّس و استاد فلسفه در حوزه و دانشگاه

عباسعلی محقق خراسانی، ۴۷، واعظ و محدّث و قیام کننده علیه نظام استبدادی

حاج ملاهادی سبزواری، ۵۶، فیلسوف و منطقی و ادیب و فقیه

سید حسن موسوی بجنوردی، ۵۹، فقیه و اصولی

میرزا ابوالحسن شعرانی، ۶۵، مدرّس فلسفه و کلام و منطق

سید جلال الدّین آشتیانی، ۷۰، استاد و مدرّس فلسفه در حوزه و دانشگاه

استادان و پژوهشگران در حوزه علوم انسانی

محمد حسن لطفی، ۳، مترجم آثار فلسفی

محمد قزوینی، ۵، ادیب و مورّخ و ناقد ادبی

سید جعفر سجّادی، ۷، استاد فلسفه و منطق

عبدالحسین نوائی، ۸، نویسنده و مورّخ

محمد حسن گنجی، ۱۰، جغرافی دان و هواشناس

جلال الدّین همائی، ۱۱، ادیب و فیلسوف و استاد علوم بلاغت

فتح الله مجتبائی، ۱۶، استاد تاریخ ادیان و هندشناس

یحیی ماهیار نوابی، ۲۰، استاد ادبیّات فارسی و زبانهای باستانی

سید علی موسوی بهبهانی، ۲۱، استاد علوم قرآنی و ادب عربی

مجتبی مینوی، ۲۲، مورّخ و ادیب و استاد ادبیّات تطبیقی

جواد حدیدی، ۲۵، ادبیّات تطبیقی و زبان فرانسه

محمود روح الامینی، ۲۹، استاد جامعه شناسی و مردم شناسی

سید ضیاء الدّین سجّادی، ۳۲، استاد زبان و ادبیّات فارسی

بهاء الدّین خر مشاهی، ۴۳ مترجم و ادیب و قرآن شناس

زین العابدین مؤتمن، ۳۷، استاد زبان و ادبیّات فارسی

علی محمد کاردان، ۳۹، استاد روانشناسی و علوم تربیتی

حمید فرزام، ۴۹، استاد زبان و ادبیّات فارسی

سید احمد ادیب پیشاوری، ۵۲، استاد و ادیب زبان فارسی و عربی

نصر الله پورجوادی، ۵۴، استاد تصوّف و عرفان

اسماعیل حاکمی والا، ۵۵، استاد زبان و ادبیّات فارسی

- غلامحسین یوسفی، ۵۷، استاد زبان و ادبیات فارسی
 رضا داوری اردکانی، ۵۸، استاد فلسفه و جامعه شناسی
 عباس اقبال آشتیانی، ۶۰، مورخ و ادیب و ناقد ادبی
 ناصر کاتوزیان، ۶۱، قاضی و استاد حقوق
 محمد خوانساری، ۶۲، استاد منطق و فلسفه و ادب عربی
 سید حسن قاضی طباطبائی، ۶۳، استاد ادبیات فارسی و عربی
 احمد بهمنیار کرمانی، ۶۷، استاد ادبیات فارسی و عربی
 محمد نخجوانی، ۶۹، نسخه شناس و کتاب شناس
 غلامحسین شکوهی، ۷۱، استاد علوم تربیتی
 عبدالمحمد آیتی، ۷۵، مترجم و پژوهشگر ادب فارسی و عربی

استادان و پژوهشگران در حوزه علوم محضه و تاریخ علوم

- احمد بیرشک، ۲، ریاضیات و تاریخ علوم ریاضی
 محمود نجم آبادی، ۴، تاریخ پزشکی
 یدالله سبحانی، ۵ آب شناسی و آبیاری
 محسن هشترودی، ۱۹، ریاضیات و تاریخ علوم ریاضی
 علیقلی بیانی، ۲۳، آب شناسی و سدسازی
 پرویز شهریاری، ۳۱، ریاضیات و تاریخ علوم ریاضی

اسدالله آل بویه، ۳۳، ریاضیات و هندسه
 عبدالغفارخان نجم الدوله، ۵۱، ریاضیات و مهندسی
 دکتر حسن تاج بخش، ۷۳، تاریخ پزشکی و دامپزشکی

استادان و دانشمندان خارجی

توشی هیکو ایزوتسو، فلسفه اسلامی و قرآن‌شناسی
 سید محمدنقیب العطاس، ۲۸، اسلام در دوره معاصر
 سید امیر حسن عابدی، ۳۰، زبان و ادب فارسی در شبه قاره
 نذیر احمد، ۳۸، زبان و ادب فارسی در شبه قاره

بانوان فاضل

توران میرهادی، ۱۴، تعلیم و تربیت
 شیرین بیانی، ۴۴، تاریخ ایران
 ژاله آموزگار، ۴۵، زبانهای باستانی ایران
 پروین اعتصامی، ۴۶، شاعر و ادیب
 فاطمه سیاح، ۴۸، ادبیات تطبیقی
 زهرا رهنورد، ۵۰، هنرشناسی
 نوش آفرین انصاری، ۵۳، کتابداری

دانشمندان کرد و اهل تسنن

عبدالرحمان شرفکندی (هزار) ۱۲، شاعر و مترجم

ابراهیم یونسی، ۲۶، نویسنده و مترجم

احمد ترجانی زاده، ۴۱، زبان و ادبیات فارسی

عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، ۴۲، زبان و ادب عربی

مستوره کردستانی (ماه شرف خانم)، ۷۴، شاعر و موزخ

مبتکران و نوآوران

جبار باغچه بان، ۳۶، روش آموزش زبان فارسی به کودکان و روش

تدریس زبان به ناشنویان

کیومرث صابری فومنی، ۶۴، ادیب و طنزپرداز

محمد بهمن بیگی، ۶۶، ایل شناس و تعلیم و تربیت عشایر

بابا صفری، ۶۸، موزخ و پژوهشگر

احمد منزوی، ۳۴، کتاب شناس و نسخه شناس و فهرست نگار

حسن حکمت نژاد، ۳۵، طراح فرس و قالی

با ملاحظه ای اجمالی به این صورت آشکار می گردد که در

انتخاب افراد برای تعظیم و تکریم رعایت تناسب شده و کوشش

شده از طبقات گوناگون که دارای رشته های علمی مختلف بوده اند

بهترین‌ها برگزیده شوند به ویژه کسانی که ما به آثار و تألیفات و شرح احوال آنان برای تدوین بزرگداشت‌نامه دسترسی داشته‌ایم. این موجب تأسف است که ما جا و مکان مناسبی که بتوانیم جوانان و دانشجویان را در این مراسم جای دهیم، نداریم و همیشه باید سر خجلت به زیر داشته باشیم که حاضران در این مراسم باشکوه ناچارند در راهروها و دهلیزها و حتی روی زمین حیاط انجمن بنشینند. ما که برای پرورش جسم جوانهای خود استادیوم صدهزار نفری داریم آیا سزاوار نیست برای تربیت جان و روح آنان جای مناسبی داشته باشیم تا آنکه آنان مشمول: «فربه شده به جسم و به جان لاغر» نشوند.

امید است که این بئ‌الشکوی مورد توجه اولیای امور قرار گیرد و آنچه را که در این سرآغاز نگاشته گردیده جدی بنگرند و در صدد رفع کاستی آن برآیند و این را بدانند که هر کس از این مراسم بهره بردارد، ثوابش نصیب آنان خواهد گردید. بعون الله تعالی و کرمه.

مهدی محقق

رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

آبان ماه ۱۳۸۵

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

دکتر ابراهیم یونسی نویسنده و مترجم از چهره‌های فرهیخته و صاحب‌نام جامعه فرهنگی - ادبی ایران در سال ۱۳۰۵ ش در بانه به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در همان شهر و دوره متوسطه را در شهر سنقر (۱۳۲۰) به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۲ وارد دبیرستان نظام شد و در سال ۱۳۲۷ با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل گردید.

وضع نابسمان ایران آن روزگار، وی را که روحی حساس و دلی دردمند داشت به فعالیت‌های سیاسی کشاند و با شاخه نظامی حزب توده همکاری نمود، اما در سال ۱۳۳۳ دستگیر و به اعدام محکوم شد. در زندان زبان انگلیسی را فراگرفت و همان جاکتاب‌هایی چون آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز (Dickens, Charles)، اسپارتاکوس هوارد فاست (Fast, Howard) و خیاط جادو شده سولومن رابینوویچ (Solomon, Rabinowitz) را ترجمه و به چاپ رساند. و همچنین در زمینه داستان نویسی به تحقیق و مطالعه پرداخت و پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۱، حاصل مطالعات

خود را در قالب کتابی تحت عنوان «هنر داستان نویسی» به چاپ رسانید و برای تأمین هزینه زندگی به استخدام سازمان مرکز آمار ایران درآمد سپس، به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن در رشته اقتصاد به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک دکتری گردید.

شرح حال استاد را در همین کتاب ملاحظه خواهید فرمود و بدون تردید با مطالعه آن، به همت و تلاش بی وقفه ایشان در خدمت به فرهنگ و ادب ایران پی خواهید برد. اما آنچه مسلم است دکتر یونسی در طول حیات پربار خود هیچگاه از تلاش و کوشش باز نایستاد و همواره در زندگی پرنشیب و فراز خود، عاشقانه قلم زده و سعی نموده است تا سرحد امکان به فرهنگ و ادب ایران خدمت کند، زیرا دکتر یونسی اختناق و فساد حاکم بر جامعه را به خوبی لمس کرده و شاهد تضادهای اجتماعی بود. از این رو در دو جبهه فعالیت کرد. از یک سو در مبارزات سیاسی بر علیه رژیم وقت، که آن روزها به صورت مخفی انجام می پذیرفت شرکت نمود و با دستگیری و افتادن به زندان این بخش از زندگی وی رقم دیگری خورد. در جبهه دیگر که آگاهی دادن به نسل جوان بود با نشر آثاری از بزرگان علم و ادب و سیاست دریچه‌ای به سوی نسل جوان اندیشمند گشود و آنان را با افکار و اندیشه‌های نویسندگان ملل مختلف جهان آشنا ساخت. دکتر